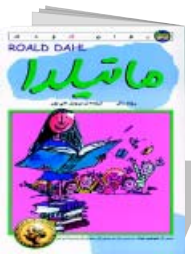

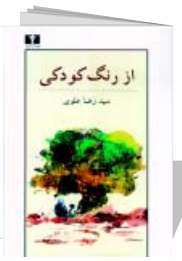

پنجشنبه بازار کتاب

# در سرزمین رمان‌ها

[سایر محمدی]

گروه فرهنگ و هنر- هفته‌ای که گذشت سومین ترجمه از رمان «کافکا در کرانه» اثر هاروکی موراکامی نویسنده معروف ژاپنی با ترجمه غبرایی منتشر شد. مدتی است که ترجمه یک اثر توسط چندین مترجم تبدیل به رسمی رایج شده است. شش ترجمه از «بادبادک باز» و حدود هشت- نه ترجمه از «هزار خورشید تابان» چه چیزی نصیب ادبیات داستانی ما خواهد کرد؟ آیا منتقدان این ضرورت را احساس نمی کنند که بررسی های تطبیقی از ترجمه های متعدد یک اثر داشته باشند و ترجمه های ضعیف را (وگاهی رونویسی از ترجمه دیگران را) به خوانندگان معرفی کنند؟ و اجازه رشد این پدیده را ندهند؟ به راستی آسیب شناسی این مقوله به عهده کیست؟ چه کسانی باید از به هدر رفتن کاغذ، فیلم و زینک و تلف شدن وقت مخاطب جلوگیری کنند؟ گزارشی از تازه های کتاب را با هم مرور می کنیم.

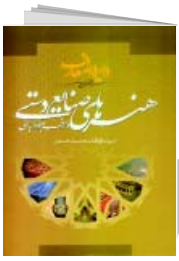


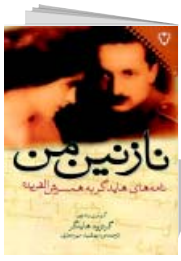


**● شعر**

«از رنگ کودکی» سومین مجموعه شعر سیدرضا علوی از سوی انتشارات نیلوفر به بازار آمد. علوی از جمله شاعرانی است که سال ها تجربه سرودن دارد اگر چه خیلی دیر اقدام به انتشار این شعرها کرده است. اما در همین مدت کوتاه خوانندگان خود را در میان علاقه مندان جدی شعر پیدا کرده است. همه شعرهای این دفتر در قالب سپید سروده شده، برخی کوتاه به اندازه یک هایکو برخی بلند. ولی پشت هر شعر این دفتر تفکری خوابیده است. تصویر ها تازه، بیان موجز، زبان بی تکلف، همین ویژگی ها شعر علوی را از همگنان خود متمایز می کند. «تعبیر خوب خواب من» اولین دفتر از سروده های فاطمه موسویان است که از سوی انتشارات سبزان به بازار آمد. شعرهای این دفتر در قالب غزل، چهار پاره های پیوسته، دوبیتی و سپید سروده شده است. شعرهایی که در قالب چهارپاره سروده شده، زبان محاوره ای یا گفتاری دارد که گویا با هدف ترانه خوانی ساخته شده اند و برای تلفیق با موسیقی مناسب است. «ارسطو و فن شعر» اثر کنت مک لیش با ترجمه اکبر معصوم بیگی از سوی نشر آگه چاپ و منتشر شده است. فن شعر ارسطو نخستین بار در سال ۱۳۳۵ منتشر شده بود و به چاپ های متعدد رسید. اما کنت مک لیش در این کتاب برخی ابهامات، سوء برداشت ها از کتاب ارسطو را توضیح می دهد، تا مخاطب درک درستی از دیدگاه های ارسطو پیدا کند. معصوم بیگی این اثر را از زبان انگلیسی به فارسی بر گردانده است. «مفتاح الاسرار» کتابی در شرح مثنوی مولوی است که شیخ آدینه محمد خوارزمی (متوفی به سال ۱۸۰۱ میلادی) از بزرگان تصوف و عرفان در ماوراءالنهر آن را تألیف کرده و دکتر عباسعلی وفایی آن را تصحیح کرده و همراه با مقدمه ای به دست چاپ سپرده است. ناشر این کتاب انتشارات سخن است.

**● داستان، رمان**

«نشان نخست بلاهت» کتابی به قلم حسین یعقوبی در حوزه ادبیات طنز است که از سوی انتشارات روزنه چاپ و منتشر شده است. جملات قصار از اندیشمندان جهان که ظاهراً طنزند اما بسیار تفکر برانگیزند، «نشان نخست بلاهت» در هفت دفتر تنظیم و تدوین شده و در قالب یک کتاب عرضه شده است. «جمعه بیست و هشتم روی صندلی لهستانی» مجموعه ای از داستان های کوتاه غزال زرگر امینی است که انتشارات ققنوس منتشر کرده است.

نویسنده در این داستان ها غالباً مشکلات و گرفتاری های انسان شهر نشین را دستمایه نوشتن می کند، البته آنچه یک داستان را برجسته می کند، شیوه و زبان روایت است. انتشار ققنوس علاوه بر این کتاب، رمان «گورستان اهل فرنگ» نوشته ریچارد دولینگ با برگردان جواد سید اشرف را چاپ و منتشر کرده است که پژوهشی رندانه و پر نغز در باره سنت سحر و جادو در غرب افریقا و برخورد و مقابله دو فرهنگ کاملاً متضاد (فرهنگ آمریکایی و فرهنگ آفریقایی) در دوران جنگ تمدن هاست.

نویسنده این رمان در اوایل دهه هشتاد به سیرالئون سفر می کند و مدت ها در میان قبایل بومی آن جا زندگی می کند تا با فرهنگ و ادبیات آفریقا آشنا شود. موضوع رمان هم پسر یکی از وکلای متنفذ آمریکایی است که در جنگل های غرب آفریقا گم شده است. «بلم سنگی» نام رمانی از ژوزه ساراماگو نویسنده پرتغالی و برنده نوبل ادبیات است که با برگردان کیومرث پارسای از سوی نشر علم چاپ و منتشر شده است. سارامااگو در ایران با رمان کوری به شهرت و محبوبیت رسید. «همیشه شوهر» رمانی به قلم فئودور داستایوفسکی است که علی اصغر خبره زاده آن را به فارسی برگردانده و مؤسسه انتشارات نگاه چاپ پنجم آن را به بازار فرستاد. این مؤسسه انتشاراتی «بانو در آئینه» مجموعه ۲۲ داستان کوتاه نوشته ویرجینیا وولف را با ترجمه فرزانه قوجلو منتشر کرده است. این داستان ها کاملاً بیانگر دلبستگی و باور وولف به ضمیر ناخود آگاه و یا به تعبیری «جریان سیال ذهن» است. تخیل در این داستان ها حضوری پر رنگ دارد. «قصه های پریان» مجموعه ای از قصه ها و افسانه پریان در ادبیات انگلیس است که اندرو لانگ آنها را فراهم آورده و علی اکبر خدارپست به زبان فارسی ترجمه کرده است. انتشارات کاروان این کتاب را به صورت مصور، با جلد گالینگور منتشر کرده است. «ماتیلدا» مجموعه داستان های مصور برای کودکان است به قلم رولد دال که پروین علیپور آنها را ترجمه کرده و نشر افق چاپ و انتشار آن را به عهده داشته است. رولد دال یکی از بهترین و شاخص ترین نویسندگان ادبیات کودک در انگلستان است که آثارش به بسیاری از زبان ها ترجمه شده اند. «چارلی و آسانسور بزرگ شیشه ای» به قلم رولد دال رمانی برای نوجوانان است که محبوبه نجف خانی آن را به فارسی برگردانده و نشر افق آن را منتشر کرده است. نویسنده بعد از نوشتن رمان «چارلی و کارخانه شکلات سازی» که با اقبال وسیع مخاطبان در سراسر جهان روبه رو شده، این رمان را که ادامه همان ماجراهاست، تألیف کرد. «کافکا در کرانه» رمان برجسته هاروکی موراکامی نویسنده ژاپنی با ترجمه مهدی غبرایی از سوی انتشارات نیلوفر منتشر گردید. پیش از این دوترجمه از این رمان منتشر شده بود. انتشارات نیلوفر کتابی اثر ماریو بارگاس یوسا را منتشر کرده است که به گوستاوفلوبر نویسنده شهیر فرانسوی و شاهکار او «مادام بوواری» می پردازد. یوسا با تحلیلی موشکافانه ابعاد گوناگون این رمان را که خود نخستین رمان مدرن می خواند، بازکاوی می کند.

**● دین و فلسفه، سیاست و تاریخ، هنر**

«علی از زبان علی» یا زندگانی امیر مؤمنان علی علیه السلام» به قلم دکتر سیدجعفر شهیدی از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی به چاپ بیست و هشتم رسید. دکتر شهیدی در این اثر به شکل مستند با زبانی شیرین داستان زندگی امام اول شیعیان را روایت می کند. همین مؤسسه انتشاراتی کتاب «آئین کشورداری از دیدگاه امام علی علیه السلام» تألیف حضرت آیت الله العظمی محمدفاضل لنکرانی را منتشر کرده است که تقریر و تنظیم آن را حسین کریمی به عهده داشت. چاپ اول این کتاب در سال ۷۷ و چاپ یازدهم آن هفته گذشته به بازار آمد. «ایران از آغاز تا اسلام» عنوان کتابی تألیف رومن گیرشمن با ترجمه دکتر محمد معین است که مؤسسه انتشارات نگاه منتشر کرده است. این کتاب پس از دیباچه مؤلف و مقدمه مترجم و معرفی جغرافیای ایران در شش فصل به مقابل تاریخ، ورود ایرانیان، شرق ضدغرب، غرب ضدشرق و عکس العمل مشرق، پارتیان و توسعه تمدن ایرانی می پردازد. همین مؤسسه انتشاراتی کتاب «آئین زرتشت، کهن روزگار و قدرت ماندگار»، به قلم مری بویس استاد مطالعات ایرانی در دانشگاه لندن را با ترجمه ابوالحسن تهامی منتشر کرده است.

نویسنده برای نوشتن این اثر علاوه بر سفر به ایران و حضور در یزد و روستاهای آن مطالعات و تحقیقات گسترده ای در زمینه جغرافیای قدیم، تاریخ، زبان شناسی، باستان شناسی و قوم شناسی و آثار دینی به زبان های فارسی، پارسی باستان و اوستایی و زبان های اروپایی انجام داده است. «آزادی» مجموعه مقالاتی از لابوشی، ولتر، کانت، برگسون، سارتر، افلاطون، هگل و مرلوپونتی، نیچه و... است که آنتوان هاتزبرگر فراهم آورده و عباس باقری آنها را به فارسی ترجمه کرده است و در قالب کتابی توسط نشر علم به بازار آمد. این کتاب در چهار فصل تحت نام پرسش از آزادی، مظاهر آزادی، عامل آزادی، آزادی و سیاست تنظیم و تدوین شده است. «دایرةالمعارف هنرهای صنایع دستی و حرف مربوط به آن» نوشته سیدابوالقاسم سیدصدر از سوی انتشارات سیمای دانش به بازار آمد. آشنایی و شناخت هنرهای صنایع دستی، مستلزم آشنایی با حرف جانبی آن است که در واقع شناخت انواع دوخت ها، برش ها، بافت ها، پارچه ها، الیاف ها و... را ضروری می سازد. این دایرة المعارف در دو بخش تدوین شده که یک بخش به حرف صنایع دستی و بخش دیگر به واژه شناسی اختصاص داده شد. «فرهنگ واژه های پزشکی» به قلم دکتر نصرت الله کاسمی از سوی انتشارات نوگل منتشر شده است. زنده یاد نصرت الله کاسمی استاد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران، ادیبی آگاه و سخنوری توانا بود که در زمینه تخصص و حرفه خود، ضمن سال ها تلاش و کوشش این اثر را تألیف کرده است تا مورد بهره برداری دانشجویان علوم پزشکی و پزشکان جوان قرار گیرد.

«نازنین من» عنوان مجموعه نامه های هایدگر به همسرش الفریده است که توه او گرتورد هایدگر گردآوری و تدوین کرده است. مهشید میرمعزی این مجموعه را به فارسی ترجمه کرده است. با مطالعه این نامه ها زوایای تازه ای از زندگی این فیلسوف برجسته آلمانی برای علاقه مندان روشن می شود. در خلال این نامه ها تعامل هایدگر با حکومت رایش، تحول فکری او، علایق و سلایق دیگر او برای خوانندگان می تواند جذاب باشد. «مناقب خوانی» یا موسیقی قدسی، مذهبی و آئینی ایران عنوان پژوهشی به اهتمام هوشنگ جاوید است که انتشارات سوره مهر منتشر کرده است. منقبت خواندن هنر قدسی، مذهبی، آئین ایرانیان است، گرچه مسقط الرأس مناقب به لحاظ ستایش ائمه(ع) به سید حمیری می رسد. اما هنر ستایشگری در ایران دارای تاریخچه ای بس کهن است. «اگر به ندای درون گوش می دادم، می شنیدم» کتابی در حوزه روان شناسی است که ژاک سالومه تألیف کرده و دکتر زهرا وثوق آن را به فارسی برگردانده است. در این کتاب شیوه های عملی ارائه می شود که دوستان خوبی برای یکدیگر باشیم. از کمبود خود مطلع شویم، قدرت ابتکار خود را تقویت کنیم. رفتار بهتری با افراد پیرامون خود داشته باشیم.

# اکو: نگران آینده کتاب نیستم

روز اول نوامبر سال ۲۰۰۳ میلادی امبرتو اکو نویسنده رمان مشهور «نام گل سرخ» و استاد نشانه شناسی در دانشگاه های ایتالیا، به مناسبت بازسازی و افتتاح کتابخانه بزرگ اسکندریه مصر سخنرانی مبسوطی درباره حافظه تاریخی انسان و آینده کتاب به زبان انگلیسی ایراد کرد که متن کامل آن در روزنامه الاهرام و سایت های اینترنتی منتشر شده است. در عصر حاضر، عصر اطلاعات و ارتباطات و فراگیر شدن اینترنت در تمام نقاط جهان و اختراع دستگاه های جدید و امکان چاپ کتاب های تک نسخه ای و کتاب های الکترونیکی، نظرات و دیدگاه های امبرتو اکو قابل تأمل است. خلاصه این سخنرانی از نظرتان می گذرد.

[آیدا محمدی]

حافظه نباتی و حافظه معدنی. «حافظه معدنی دو نوع است؛ یک نوع آن الواح گلی و ستون های سنگی که حدود هزار سال قبل متونی بر آنها نقر و حک شده اند. نوع دوم، حافظه الکترونیکی کامپیوترهای امروزی است که با سیلیکون ساخته شده اند. حافظه دیگر، حافظه نباتی است، که ابتدا بر روی پاپیروس ها نشان داده شدند و بعدها در کتاب هایی از جنس کاغذ منعکس شد.

برخی احتمالاً از قریب الوقوع بودن «مرگ کتاب» در عصر کامپیوتر و اینترنت سخن می گویند. با تمام این حرف ها باید گفت: «اگر چنانچه قرار باشد کتاب هم، مثل الواح گلی و سنگ نبشته های تمدن های باستانی، از عرصه اجتماع محو شود، این موضوع دلیل موجهی برای از بین بردن کتابخانه ها نخواهد بود. هر اتفاقی که بیفتد کتابخانه ها را مانند موزه ها که محل نگهداری کشفیات دوران گذشته است، باید حفظ کرد. با این وصف، ستودن کتابخانه ها توسط من تا حدی با خوش بینی همراه است. من به آن دسته از افرادی تعلق دارم که چشم اندازی کم و بیش امیدوار کننده برای کتاب های چاپی ترسیم می کنند و همه تشویش ها پیرامون از بین رفتن آنها را تنها یک نمونه دیگر از دلنگرانی ها و در نهایت هراس از هزاره ای که پایان همه چیزها، از جمله جهان، می دانند.

بارها در جریان مصاحبه های مختلف ناگزیر از دادن پاسخ به این گونه پرسش ها بوده ام؛ آیا رسانه های جدید الکترونیکی باعث حذف کتاب می شوند؟

آیا شبکه ها، ادبیات چاپی را حذف خواهد کرد؟ آیا تمدن جدید هایپرتکست اندیشه تألیف را از بین خواهد برد؟ اجازه بدهید، بحث خود را با یک داستان مصری، هرچند آن را یک یونانی تعریف کرده، آغاز کنم. مطابق گفتار افلاطون در رساله فدروس، ثیوت یا هرمس که خالق عمل نوشتار است، هنر خود را نزد تاموس، فرعون مصر می برد و او با دیدن این ابتکار تازه، زبان به تحسین می گشاید. چرا که این عمل انسان را قادر خواهد ساخت، موضوعات فراموش شدنی را از این طریق به خاطر آورد. اما خوشحالی فرعون، کامل نیست، و به همین علت خطاب به هرمس می گوید: «ای ثیوت مبتکر، حافظه عطیه ای الهی و ارزشمند است که با ممارست و تمرین باید آن را فعال نگاه داشت. اما با ابتکار تو دیگر مردم برای تقویت حافظه از خود رغبتی نشان نمی دهند، و در این صورت، اشخاص به کمک ابزارهایی صرفاً بیرونی موضوعات مورد نظر را به خاطر خواهند آورد و نه با کوشش درونی. این نگرانی فرعون اکنون برای ما کاملاً قابل فهم است. نوشتار مانند هر ابتکار و اختراع دیگر در زمینه تکنولوژی، توان حافظه انسان را تقلیل داده، در حالی که با این ادعا ساخته شده که آن را تقویت کند. نوشتار از این نظر خطرناک بود که قدرت حافظه را کاهش می داد.

نوشته افلاطون بدون شک متناقض نمایی است. او علیه نوشتار داد سخن می داد، در حالی که خود قلم به دست می گرفت و این گونه وانمود می کرد که این بحث را سقراط راه انداخته که خود چیزی نمی نوشت، چنان که تکست که با این شیوه، دگرگونی اساسی در کل بازار نشر به وجود می آید و به احتمال زیاد بساط انبارهای کتاب برچیده می شود. اما اشتباه است اگر خیال کنیم که کتاب از بین می رود و کتابفروشی و مؤسسات انتشاراتی، یعنی تنها جایی که امکان نظر انداختن به کتاب ها و یا چاپ مجدد آن ها وجود دارد، نابود شود. با توجه به تحولات آینده، می توان به سادگی چنین گفت: در آینده هر کتابی مطابق درخواست و سلیقه خریدار آماده و چاپ می شود. درست مانند روزگار قدیم و کتاب های دستنویس و نسخه های خطی، اختراع دوم، کتاب الکترونیکی است، همان که به واسطه یک میکرو کاست در پشت کتاب و یا از طریق وصل شدن به اینترنت در اختیار خواننده قرار می گیرد. البته در این حالت هم، باز سر و کار ما عملاً با یک کتاب است، اگر چه با کتاب های معمول تفاوت داشته باشد. درست عین تفاوتی که کتاب های امروزی با نسخه های دستنویس قدیمی بر روی پوست دارند، شاید کتاب های الکترونیکی مانند واژه نامه ها و یا آثار مرجع خاص، یک منبع راهنما و اطلاع رسان، کارگشا باشد و احتمالاً دانش آموزان و دانشجویان را از حمل دهها جلد کتاب و یا بیشتر به محل تحصیل بی نیاز کند. ولی آنها را نمی توان برای مثال جایگزین کتاب هایی کرد که ما دوست داریم شب ها قبل از خواب مطالعه کنیم. در واقع بسیاری از اختراعات عصر تکنولوژی باعث حذف و نابودی نمونه های مشابه قبلی نشده اند. اتومبیل سریع تر از دوچرخه حرکت می کند، اما دوچرخه را از در خارج نکرده است. اندیشه حذف یک پدیده توسط نوع جدید آن، اغلب خیلی ساده انگارانه است. پس از اختراع دوربین عکاسی، اگر چه نقاشان دیگر ضرورتی برای آفریدن تصویر صورت در خود احساس نکرده اند، اما این به آن معنا نبوده که اختراع لویی ژاک داگر یعنی دوربین عکاسی تنها زمینه را برای نقاشی آبسترو و انتزاعی فراهم کرده باشد. این نکته مبین آن است که در تاریخ فرهنگ، بحث حذف چیزی توسط یک چیز دیگر موضوعیت نداشته است، زیرا یک اختراع جدید همیشه باعث تحولی عمیق در نمونه قبلی شده است.

برای پایان دادن به بحث بی سرانجام حذف فیزیکی کتاب، اجازه دهید عرض کنم که گاهی این وحشت تنها به کتاب محدود نمی شود بلکه لوازم چاپ را نیز در سطح کلان، شامل می شود. متأسفانه اگر قضیه فقط آن بود که کامپیوتر، بویژه واژه پرداز ها مانع نابودی درختان می شوند، این گونه نگرش جای امیدواری داشت. در حالی که باید گفت این ابزار خود عامل تولید و تکثیر لوازم و مصالح چاپی شده اند و شکل های تازه ای از تولید و انتشار نوشته های چاپی را ایجاد کرده اند. در حال حاضر برای بازخوانی و تصحیح یک متن- البته اگر یک نامه کوتاه نباشد- باید آن را پرینت گرفت یا کپی کرد و بعد آن را اصلاح کرد و از نو از متن اصلاح شده کپی گرفت، گمان نمی کنم کسی قادر باشد یک متن صد صفحه ای بنویسد و بعد بدون کپی گرفتن های مکرر، آن را به صورت کامل تصحیح و ویرایش کند.

تکست یقیناً موجب حذف فرهنگنامه ها و کتابچه های راهنما خواهد شد. اگر دیروز قرار دادن یک فرهنگنامه کامل در «سی.دی. رام» فراهم بود، امروز می توان آن را به صورت آنلاین استفاده کرد. علاوه بر آن مزیتی مانند امکان ارجاع به مطالب دیگر و دسترسی غیر خطی به اطلاعات نیز وجود دارد. نکته قابل توجه آن که در چنین وضعیتی، کل دستگاه کامپیوتر همراه با دیسک های فشرده مربوطه، روی هم رفته فقط یک پنجم حجم یک فرهنگنامه چاپی را در کتابخانه اشغال می کند.

نقل و انتقال فرهنگنامه ها به آسانی سی.دی. رام (CDRam) نیست، در ضمن روزآمد کردن آنها نیز کار ساده ای کتابخانه وجود. دسترسی به یک فرهنگنامه چند جلدی برای بسیاری در حد یک رؤیای دست نیافتنی است. نه فقط به خاطر هزینه و قیمت آنها، بلکه به خاطر حجمی که اشغال می کنند. با توجه به موارد مذکور، آیا می توان هایپرتکست و یا شبکه اینترنتی را جایگزین کتاب کرد؟ بار دیگر به نقطه ای می رسیم که باید روشن کرد در چنین وضعیتی اصولاً کتاب یک پدیده عینی و فیزیکی در نظر گرفته می شود و یا یک پدیده ذهنی و مجازی؟ این دفعه هم اجازه دهید، ابتدا به وجه فیزیکی موضوع بپردازم.

اخبار خوب، کتاب ها همچنان ضرورت و اهمیت خود را حفظ خواهند کرد. نه فقط در حوزه ادبیات، بلکه در هر زمینه ای که نیازمند خوانش دقیق و با حوصله است. چه برای به دست آوردن اطلاعات و چه برای تأمل و تفکر در باره اطلاعات. اصولاً مطالعه از روی صفحه مانیتور یا مطالعه از روی صفحات کتاب، یک جور نیست. چشم های من پس از ۱۲ ساعت کار با کامپیوتر مانند دو توپ تنیس می شود. چنان که احساس می کنم باید روی صندلی راحتی بنشینم و روزنامه ای به دست گیرم و یا یک شعر خوب بخوانم. به عقیده من کامپیوتر شکل جدیدی از سواد را رونق بخشیده اما هنوز، نمی تواند تمامی خواسته های یک انسان اندیشمند را برآورده سازد. به خاطر داشته باشید که اساس تمدن های عبری و عربی، هر دو بر کتاب استوار بوده و این موضوع با ساختار ایلیاتی هر دو تمدن سازگاری داشته است.

کتاب تا به امروز با صرفه ترین، انعطاف پذیرترین و آسان ترین وسیله برای انتقال اطلاعات با کم ترین هزینه ممکن شناخته می شود. کامپیوتر و پیام های مربوطه همیشه جلوتر از انسان حرکت می کنند. در حالی که کتاب، همراه و همقدم اوست. انسان اگر کشتی اش غرق شود و در جزیره ای پرت و دور، افتاده گرفتار شود، امکان استفاده از کامپیوتر را ندارد. اما کتاب همچنان می تواند به عنوان وسیله ای از رشدمند، کمک حال او باشد.

از طرف دیگر دو اختراع جدید، در آستانه بهره برداری عمومی قرار دارد. اولی چاپ کتاب براساس نیاز و تقاضای مصرف کننده است. به این صورت که خواننده پس از مرور فهرست عناوین کتابفروشی ها و یا مؤسسات انتشاراتی، کتاب مورد نظرش را انتخاب می کند و بعد مسئول مربوطه با فشار دکمه ای، دستگاهی را به کار می اندازد که به دنبال آن یک نسخه چاپی از کتاب مورد نظر با فونت دلخواه، صحافی شده در اختیار متقاضی قرار می گیرد. شکی نیست که با این شیوه، دگرگونی اساسی در کل بازار نشر به وجود می آید و به احتمال زیاد بساط انبارهای کتاب برچیده می شود. اما اشتباه است اگر خیال کنیم که کتاب از بین می رود و کتابفروشی و مؤسسات انتشاراتی، یعنی تنها جایی که امکان نظر انداختن به کتاب ها و یا چاپ مجدد آن ها وجود دارد، نابود شود. با توجه به تحولات آینده، می توان به سادگی چنین گفت: در آینده هر کتابی مطابق درخواست و سلیقه خریدار آماده و چاپ می شود. درست مانند روزگار قدیم و کتاب های دستنویس و نسخه های خطی، اختراع دوم، کتاب الکترونیکی است، همان که به واسطه یک میکرو کاست در پشت کتاب و یا از طریق وصل شدن به اینترنت در اختیار خواننده قرار می گیرد. البته در این حالت هم، باز سر و کار ما عملاً با یک کتاب است، اگر چه با کتاب های معمول تفاوت داشته باشد. درست عین تفاوتی که کتاب های امروزی با نسخه های دستنویس قدیمی بر روی پوست دارند، شاید کتاب های الکترونیکی مانند واژه نامه ها و یا آثار مرجع خاص، یک منبع راهنما و اطلاع رسان، کارگشا باشد و احتمالاً دانش آموزان و دانشجویان را از حمل دهها جلد کتاب و یا بیشتر به محل تحصیل بی نیاز کند. ولی آنها را نمی توان برای مثال جایگزین کتاب هایی کرد که ما دوست داریم شب ها قبل از خواب مطالعه کنیم. در واقع بسیاری از اختراعات عصر تکنولوژی باعث حذف و نابودی نمونه های مشابه قبلی نشده اند. اتومبیل سریع تر از دوچرخه حرکت می کند، اما دوچرخه را از در خارج نکرده است. اندیشه حذف یک پدیده توسط نوع جدید آن، اغلب خیلی ساده انگارانه است. پس از اختراع دوربین عکاسی، اگر چه نقاشان دیگر ضرورتی برای آفریدن تصویر صورت در خود احساس نکرده اند، اما این به آن معنا نبوده که اختراع لویی ژاک داگر یعنی دوربین عکاسی تنها زمینه را برای نقاشی آبسترو و انتزاعی فراهم کرده باشد. این نکته مبین آن است که در تاریخ فرهنگ، بحث حذف چیزی توسط یک چیز دیگر موضوعیت نداشته است، زیرا یک اختراع جدید همیشه باعث تحولی عمیق در نمونه قبلی شده است.

برای پایان دادن به بحث بی سرانجام حذف فیزیکی کتاب، اجازه دهید عرض کنم که گاهی این وحشت تنها به کتاب محدود نمی شود بلکه لوازم چاپ را نیز در سطح کلان، شامل می شود. متأسفانه اگر قضیه فقط آن بود که کامپیوتر، بویژه واژه پرداز ها مانع نابودی درختان می شوند، این گونه نگرش جای امیدواری داشت. در حالی که باید گفت این ابزار خود عامل تولید و تکثیر لوازم و مصالح چاپی شده اند و شکل های تازه ای از تولید و انتشار نوشته های چاپی را ایجاد کرده اند. در حال حاضر برای بازخوانی و تصحیح یک متن- البته اگر یک نامه کوتاه نباشد- باید آن را پرینت گرفت یا کپی کرد و بعد آن را اصلاح کرد و از نو از متن اصلاح شده کپی گرفت، گمان نمی کنم کسی قادر باشد یک متن صد صفحه ای بنویسد و بعد بدون کپی گرفتن های مکرر، آن را به صورت کامل تصحیح و ویرایش کند.

پیداست او را به خاطر منتشر نکردن گفتار هایش ارج می نهاده است.

امروز به دو دلیل ساده کسی با تاموس بابت نگرانی هایش هم رأی نیست؛ اول این که در حال حاضر ما به این درک رسیده ایم که کتاب ها عاملی برای اندیشیدن دیگران به جای ما نیستند، حتی بر عکس آنها وسیله ای هستند که زمینه بیشتری برای تفکرات ما فراهم می کنند. فقط پس از پیدایش نوشتار بود که امکان شکل گیری خلق شاهکاری در باره جریان آزاد و سیال ذهن به نام «درجست وجوی زمان از دست رفته» پروست فراهم شد. دوم این که اگر روزی روزگاری مردم برای از یاد نبردن موضوعات، ناگزیر از تربیت و تقویت حافظه خود بوده اند، پس از پیدایش نوشتار، مجبور شده اند که برای فراموش نکردن مطالب کتاب ها، حافظه شان را تربیت کنند. بنابراین کتاب سبب فعال شدن و تقویت حافظه می شود و آن را تحذیر نمی کند. با این همه، فرعون، از یک هراس دائمی حرف می زند. این که یک دستاورد تازه می تواند به نابودی چیزی منجر شود که در نظر ما ارزشمند و بار آور است.

در دهه ۶۰ میلادی، مارشال مک لوهان کتابی به نام «کهکشان «گوتنبرگ» نوشت و در آن جا اعلام کرده که دوران تفکرات خطی، ناشی از اختراع صنعت چاپ، به پایان خود نزدیک شده و رفته رفته جای خود را به نوعی درک و دریافت بسیار گسترده تر و فراگیر تر می دهد که از طریق تصاویر تلویزیونی و سایر لوازم الکترونیکی حاصل می شود. در نتیجه، اگر خود مک لوهان هم نمی گفت، یقیناً بسیاری از خوانندگان اثر او انگشت اشاره خود را اول به سمت تلویزیون می گرفتند و بعد به سمت یک کتاب چاپی و می گفتند: «این، آن را نابود خواهد کرد». اما فعلاً اجازه بدهید به ساده ترین سؤال از میان سؤالات تکراری همیشگی بپردازم. چنان که به این سؤال پاسخ داده شود، پاسخ موارد دیگر واضح تر و آسان تر خواهد بود. سؤال مذکور این است: آیا اینترنت، سیستم های مولتی مدیا و یا متن های هایپر تکست باعث نابودی کتاب خواهند شد؟ با جواب به این سؤال ما به بخش پایان داستان خود می رسیم. یعنی همان موضوع «این، آن را نابود خواهد کرد؟» اما موضوع آن قدرها هم ساده نیست. حتی سؤال مذکور خود نیز گیج کننده است. چون آن را می توان به سه شکل مختلف صورتبندی کرد. ۱- آیا کتاب به شکل عینی و فیزیکی از بین می رود؟ ۲- آیا کتاب به صورت مجازی از صحنه محو می شود؟

اجازه دهید، نخست به اولین سؤال پاسخ دهم. کتاب، حتی پس از اختراع صنعت چاپ نیز، هیچ گاه تنها وسیله کسب آگاهی و اطلاعات نبوده است. بلکه ابزار دیگری مانند نقاشی، تصویر های چاپی، وسایل آموزش شفاهی و غیره در این زمینه به کار گرفته می شده اند. اما از طرف دیگر ثابت شده که کتاب مناسب ترین وسیله برای انتقال اطلاعات بوده است.

کتاب هایی که باید مطالعه کرد. کتاب هایی که جهت راهنمایی و مشاوره اند. در خصوص نوع اول باید گفت که روش معمول مطالعه چنین کتاب هایی همان است که من آن را روش داستان پلیسی نامیده ام. شخص کتاب را از صفحه اول یعنی از آن جا که نویسنده از وقوع قتلی نوشته، شروع می کند و همه مسیر را در فرآیند کشف قاتل تا پایان دنبال می کند.

دسته دیگر، کتاب هایی اند، مانند فرهنگنامه ها و کتابچه ها اطلاعاتی که جنبه راهنمایی و مشورت دارند. قاعدتاً کتابی مانند فرهنگنامه را به منظور مراجعه، مشورت و راهنمایی تألیف و تدوین می کنند. و اصلاً قرار نیست که آن را از صفحه اول تا پایان، پشت سر هم بخوانند. هایپر